

چگونه آمریکا و یونان نقشه جدید انرژی اروپا را ترسیم کردند؟

از شوک اوکراین تا بازطراحی قاره سبز

بحران انرژی پس از جنگ اوکراین، اروپا را وادار کرد یکی از بنیادی‌ترین بازنگری‌های راهبردی خود را رقم بزند؛ بازنگری‌ای که نه تنها وابستگی دیرینه به گاز روسیه را در هم شکست، بلکه ایالات متحده را به بازیگر محوری امنیت انرژی اروپا و یونان را از حاشیه به قلب معماری انرژی قاره سبز رساند. آنچه در ابتدا واکنشی اضطراری بود، اکنون به یک نظم پایدار ژئوپلیتیکی تبدیل شده است.

پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت: سال ۲۰۲۵ را می‌توان نقطه عطفی در روابط انرژی فرآتلانتیک دانست. مسیری که پس از حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ و اختلال بی‌سابقه در بازارهای انرژی اروپا آغاز شد، امروز به یک تغییر راهبردی بلندمدت انجامیده است. ششمین نشست همکاری انرژی فرآتلانتیک که نوامبر گذشته در آتن برگزار شد، نماد این چرخش بود؛ نشستی که در آن وزرای انرژی، مقامات ارشد آمریکایی و رهبران بخش خصوصی بر یک هدف مشترک تمرکز کردند: تضمین امنیت انرژی اروپا از مسیر تنوع‌بخشی واقعی.

تا پیش از این بحران، مدل انرژی اروپا بر یک فرض شکننده استوار بود؛ دسترسی دائمی به گاز ارزان روسیه. اما این فرض، با استفاده مسکو از انرژی به‌عنوان ابزار فشار سیاسی، فرو ریخت. محدودسازی جریان خطوط لوله، دستکاری قراردادهای و ایجاد شوک‌های مصنوعی عرضه، اروپا را با واقعیتی انکارناپذیر مواجه کرد: امنیت انرژی بدون استقلال راهبردی ممکن نیست.

کاهش نقش روسیه، تثبیت تصمیم اروپا

اعداد گویای این تغییرند. روسیه که در سال ۲۰۲۱ حدود ۴۰ درصد گاز وارداتی اتحادیه اروپا را تأمین می‌کرد، تا سال ۲۰۲۴ سهمش به حدود ۱۱ درصد کاهش یافت. در ادامه این روند، اتحادیه اروپا به‌تازگی قوانین الزام‌آوری را تصویب کرد که بر اساس آن، واردات LNG روسیه از ابتدای ۲۰۲۷ و گاز خط لوله‌ای تا پایان همان سال به‌طور کامل ممنوع می‌شود. این تصمیم نه‌تنها اقتصادی، بلکه آشکارا سیاسی و ژئوپلیتیکی است؛ پیامی روشن مبنی بر اینکه اروپا دیگر حاضر نیست امنیت خود را به یک تأمین‌کننده غیرقابل پیش‌بینی گره بزند.

ایالات متحده؛ از ناجی اضطراری تا ستون ساختاری

در میانه این گذار، ایالات متحده نقشی فراتر از یک تأمین‌کننده موقت ایفا کرد. صادرات LNG آمریکا در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ به تثبیت بازارهای متلاطم اروپا کمک کرد، اما اهمیت این نقش به‌تدریج ساختاری شد. انرژی آمریکا اکنون بخشی از معماری امنیتی اروپا به شمار می‌رود.

در سال ۲۰۲۴، ایالات متحده با تأمین حدود ۴۵ درصد از LNG وارداتی اتحادیه اروپا، به بزرگ‌ترین عرضه‌کننده این بلوک تبدیل شد. این سهم در سال ۲۰۲۵ به حدود ۶۰ درصد رسید؛ رقمی که عمق ادغام انرژی فرآتلانتیک را نشان می‌دهد. این تحول بدون رهبری سیاسی پایدار در دو سوی اقیانوس اطلس ممکن نبود؛ رهبری‌ای که انرژی را نه صرفاً یک کالا، بلکه ابزار انسجام راهبردی می‌داند.

یونان؛ بازیگری که از حاشیه به مرکز آمد

در این میان، شاید غیرمنتظره‌ترین تحول، نقش‌آفرینی یونان باشد. کشوری که زمانی مصرف‌کننده‌ای حاشیه‌ای در سیستم انرژی اروپا تلقی می‌شد، امروز به یکی از گلوگاه‌های حیاتی انتقال LNG آمریکا به قاره سبز بدل شده است. در سال ۲۰۲۵، بیش از ۸۰ درصد LNG وارداتی یونان از ایالات متحده تأمین شد؛ رقمی که تقریباً دو برابر سال پیش از آن است. پایانه رویتوسا و واحد شناور گازسازی الکساندرپولیس، اکنون به نقاط اتکای اصلی کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی تبدیل شده‌اند. این تغییر صرفاً نتیجه موقعیت جغرافیایی نیست، بلکه حاصل تصمیمات سیاسی آگاهانه، اصلاحات مقرراتی و اجرای سریع پروژه‌هاست.

یونان که در سال ۲۰۲۰ حدود ۶ میلیارد متر مکعب گاز وارد می‌کرد و عملاً صادراتی نداشت، در سال ۲۰۲۴ برای نخستین‌بار به صادرکننده خالص انرژی تبدیل شد. از مجموع بیش از ۱۷ میلیارد متر مکعب گاز ورودی، ۱۱ میلیارد متر مکعب به کشورهای همسایه صادر شد؛ نشانه‌ای روشن از تغییر جایگاه این کشور در نقشه انرژی اروپا.

کریدور عمودی؛ شریان جدید اروپا

با وجود این پیشرفت‌ها، مسئله قیمت انرژی همچنان چالش‌برانگیز است. اگرچه قیمت عمده‌فروشی گاز نسبت به اوج سال ۲۰۲۲ کاهش یافته، اما هنوز به سطوح پیش از بحران بازنگشته است. به همین دلیل، اروپا توسعه «کریدور عمودی» را در اولویت قرار داده؛ شبکه‌ای از خطوط لوله که یونان را به بلغارستان، رومانی، مجارستان، اسلواکی، مولداوی و اوکراین متصل می‌کند. با تکمیل این کریدور، حدود ۱۰۰ میلیون شهروند اروپایی به گاز غیرروسی دسترسی خواهند داشت. برای اوکراین، این پروژه تنها یک مسیر انرژی نیست، بلکه شریان حیاتی پیوند این کشور با سیستم امن اروپایی به شمار می‌رود. آینده این کریدور به هماهنگی مقررات، توسعه قراردادهای تجاری و ارتقای فنی زیرساخت‌ها گره خورده است.

راهبرد انرژی یونان بازتاب‌دهنده نگرشی عمیق‌تر در اروپاست. دولت این کشور، به رهبری کیریاکوس میتسوتاکیس، سیاست انرژی را نه یک انتخاب ایدئولوژیک، بلکه توازن میان واقع‌گرایی و اهداف اقلیمی تعریف کرده است؛ توسعه تجدیدپذیرها در کنار حفظ نقش گاز طبیعی به‌عنوان سوخت گذار. در سطحی کلان‌تر، انرژی در حال تبدیل شدن به بنیان قدرت فناوری است. هوش مصنوعی، رایانش پیشرفته و زیرساخت‌های ابری بدون انرژی پایدار و مقرون‌به‌صرفه معنا ندارند. از این منظر، توان رقابتی اروپا در اقتصاد مبتنی بر هوش مصنوعی، مستقیماً به امنیت انرژی آن وابسته است.

جمع‌بندی؛ نظمی تازه در حال شکل‌گیری

مجموع این تحولات نشان می‌دهد که سال ۲۰۲۵ تنها سال تسریع جدایی اروپا از گاز روسیه نبود، بلکه نقطه ورود همکاری فرآتلاننتیک به مرحله‌ای جدید با چشم‌اندازی بلندمدت بود. اکنون در آستانه ۲۰۲۶، چالش اصلی، تبدیل این هم‌سویی راهبردی به پروژه‌های عملی، پایدار و نسل‌ساز است. یونان، ایالات متحده و شرکای اروپایی، اگر بتوانند کریدور به کریدور و پروژه به پروژه این مسیر را ادامه دهند، نه تنها امنیت انرژی اروپا، بلکه بنیان رقابت‌پذیری آینده آن را تضمین خواهند کرد.